

همایش ملی کارآفرینی و تجاری سازی رشته زبان و ادبیات عربی و ششمین گردهمایی

سراسری مدیران گروه های عربی، دانشگاه سمنان، ۱۳ و ۱۴ اسفند ۱۳۹۳

چالش های تجاری سازی و توسعه زبان عربی در ایران

دکتر مهدی محمدی نژاد*

چکیده:

چالش های رودرروی توسعه و تجاری سازی زبان عربی دو نوع است که عبارتند از چالش های درون رشته ای و چالش های برون رشته ای. چالش های درون رشته ای عبارتند از چالش هایی که رفع آن به دست اساتید و دست اندر کاران رشته عربی در کشور است. و در چالش های برون رشته ای نیز چالش هایی که خارج از این رشته بر آن تحمیل می شود مورد بررسی قرار گرفته است. در چالش های درون رشته ای مسائلی همچون عدم اهتمام و اقبال عربی آموزان به یادگیری مکالمه، نارسایی های تدریس مکالمه، عدم توجه نمودن دانشجویان در بدو ورود به رشته، عدم استعداد یابی در دانشگاهها، تخصصی نشدن رشته عربی در ایران و غیره بررسی شده است و در چالش های برون رشته ای مسائلی همچون عدم جذب متخصصین در رشته عربی و جایگزینی آنان با نیروهای غیر متخصص، عدم اهتمام و اقبال عمومی به یادگیری مکالمه، عدم وجود آموزشگاههای مخصوص زبان عربی همسان انگلیسی و غیره بررسی شده است. نتیجه ای که از بحث حاصل شده است عبارت از وجود برخی مشاکی است که می توان راهکارهایی برای حل آن ها ارائه کرد همچون ضرورت باز نگری در تدریس مکالمه و گنجاندن برخی دروس و یا زیاد کردن ساعات آنها و غیره و راهکار هایی نیز برای چالش هایی برون رشته ای وجود دارد همچون ضرورت ایجاد توازن بین خروجی محصلین و بازار کار و تعریف برخی بازار های کار برای محصلین این رشته و ایجاد اقبال عمومی به زبان عربی همچون اقبالی که به زبان انگلیسی است به لحاظ اهمیت این رشته در ایران.

کلمات کلیدی: چالش، زبان، عربی، رشته، توسعه.

مقدمه

زبان عربی از دیر باز به عنوان یکی از مهمترین زبان ها مورد عنایت ویژه ایرانیان بوده است و علت های مختلفی را هم می توان برای این امر ذکر کرد که از جمله آنها اهتمام و علاقه خاص ایرانیان به فرهنگ اسلامی و دستور بزرگان دین به فراگیری زبان عربی و مجاورت ایران با کشور های عربی و ارتباطات وسیع و تاریخی ایرانیان و اعراب است.

با همه اهمیتی که زبان عربی دارد اما اقبال وسیع و عمومی که در مردم کشورمان به زبان انگلیسی است بسیار فراتر از زبان عربی است که این مسأله نیاز به بررسی و تأمل دارد از آنجایی که پویایی یک زبان و رونق آن در توسعه و تجاری سازی آن مؤثر است لذا باید چالش های رودر روی این زبان را در میهن اسلامیمان ایران بررسی کنیم.

بسیار کم اتفاق افتاده است که به صورت دقیق و علمی به روش های و راهکار های پیشرفت زبان عربی پرداخته شود در این زمینه مقالات و یا کتاب هایی که مهم و قابل اعتنا باشد بسیار کم و یا نادر است و ما به سختی توانستیم به برخی مقالات که در فهرست منابع مذکور است دست یابیم و این مسأله اهمیت پرداختن به این موضوع را می رساند.

البته پرداختن به زبان عربی مورد اهتمام ایرانیان و اعراب بوده و تمام کتاب هایی که در زمینه تدریس عربی نوشته شده در جهت توسعه زبان عربی بوده است و لیکن کمتر کسی به مشکلات موجود بر سر راه توسعه این زبان پرداخته است.

با دقت در چالش های توسعه زبان عربی در می یابیم که این چالشها دو نوع می باشند:

چالش های درون رشته ای که باید توسط اهل این رشته و مدیران و دست اندر کاران آن مورد معالجه قرار گیرد.

چالش های برون رشته ای که ارتباطی با اهل این رشته نداشته و از خارج بر این زبان تحمیل می شود.

در ابتدا به چالش های نوع اول یعنی چالش های درون رشته ای پرداخته و سپس چالش های برون رشته ای را مورد بررسی قرار می دهیم.

چالش های درون رشته ای:

از آنجا که یکی از مهمترین موارد در ارتباط با تحکیم روابط دو ملت فارس و عرب و توسعه و تجاری سازی زبان عربی ایجاد پل ارتباطی زباناست و مراکز علمی مرتبط با این زبان نقش عمده ای در ایجاد این پل دارند لذا ابتدا به برخی از مشکلات در یاد گیری مکالمه اشاره خواهیم کرد:

عدم اهتمام و اقبال عربی آموزان به یادگیری مکالمه:

در میهن اسلامی ما ایران دو گروه بیش از دیگران با زبان عربی ارتباط دارند و حد اقل انتظار از آنان بعد از سال ها تحصیل این است که بتوانند به زبان عربی تکلم کنند و آن دو گروه عبارتند از طلبه های شاغل به تحصیل در حوزه ها و فارغ التحصیلان و دانشجویان رشته زبان عربی.

در حوزه های علمیه که با برخی از متون تخصصی ادبیات عرب آشنایی دارند و اکثر متون اصلی درسی آنان به زبان عربی است و همه روزه با زبان عربی مواجه هستند کمتر پیش می آید که طلبه ای را مسلط به زبان عربی ببایم و یا اینکه دانشجویانی که در رشته عربی تحصیل می کنند و تمام متون درسی آنان به زبان عربی است ولیکن کمتر می توانند به عربی تکلم کنند.

علت عمده مشکل مذکور عدم اراده و اهتمام است به عنوان مثال می توان این گونه گفت که کسی که صد ها بار متنی را خوانده و اکثر آن را برایش آشناست است نمی تواند ادعا کند که آن را حفظ کرده است اما دیگری که چند بار به نیت حفظ کردن همان متن را می خواند و آن را به ذهن می سپارد در واقع اراده اش او را از دیگری متمایز ساخته است. این یعنی که تا همت برای انجام کاری نباشد آن کار انجام شدنی نیست.

اگر دانشجویان و حوزویان گرانقدر با وجود آشنایی زیادشان به زبان عربی اراده و همت کنند در زمان بسیار کوتاهی قادر به یاد گیری این زبان خواهند بود.

نارسایی های تدریس مکالمه:

در زمینه تدریس زبان عربی در کشورهای مختلف دنیا تلاش های مختلفی صورت گرفته و مناهج خوبی برای تدریس این زبان تهیه شده است که از جمله آن ها می توان به منهج المدینة المنورة و

منهج جامعه أم القرى، العربية للناشئين وسلسله أحب العربية و العربية بين يديك و منهج جامعه دمشق و صدى الحياة و ... می توان اشاره کرد.

در این میان به برخی سایت ها که نقش خوبی در ارائه مناهج تعلیمی عربی دارند نیز اشاره کرد همچون:

۱- <http://www.rosettastone.com>

۲- <http://afl.ajeeb.com>

۳- <http://www.arabicsp.com>

۴- <http://www.horoof.com>

این مناهج که با وجود تلاش هایی که در تهیه آنها شده احیانا دارای نارساییهایی در تعلیم هستند که ذیلا به برخی از آن ها اشاره می شود:

عدم تناسب فرهنگی:

اشکالی که بر برخی از مناهج تعلیم عربی وارد است این است که برخی از آنها مخصوص قشر خاص و یا فرهنگ خاصی است و نمی تواند پاسخگوی تمام صنف ها باشد مثلا منهج جامعه أم القرى والمدینه المنوره مخصوص طلاب علوم دینی وضع شده و برای کسی که بخواهد عربی را به عنوان یک ابزار ارتباطی یاد بگیرد مناسب نیست.

عدم تناسب بسته های آموزشی با مخاطبان:

یکی از مزیت های بسته های آموزشی انگلیسی تناسب آن ها با انواع گروههای سنی است. اما در مورد زبان عربی این مورد در نظر گرفته نمی شود و عموما مناهجی که برای تعلیم زبان عربی آماده می شود همه گروهها و سلیقه ها را با یک دید نگاه می کند.

نظریه پردازان تعلیم زبان عربی باید دقت کنند که مثلا اگر نوجوانی می خواست برای سفر به یک کشور عربی غیر زیارتی زبان عربی را یاد بگیرد با مردی که می خواهد برای سفر زیارتی به اماکن

مقدسه عربی را بیاموزد نباید یک بسته آموزشی را در نظر بگیرند چرا که این دو هم از نظر سن و هم از نظر نوع نیاز به زبان عربی با هم متفاوتند.

عدم تکیه بر هر دو قوه دیداری و شنیداری در تدریس:

معمولا روش های تدریس مکالمه عربی بر خلاف انگلیسی تکیه چندانی بر قوای سمعیه و بصریه نداشته حال آن که در زبان عربی به خاطر اهمیت تلفظ حروف نمی توان به جز از شنیدن خیلی از حروف را یاد گرفت و کسی که می خواهد این زبان را بیاموزد می بایست ساعت ها وقت را صرف شنیدن کند چنان که ما در زبان انگلیسی هم ساعت هایی را باید صرف شنیدن کنیم و همزمان مهارت های دیداری را نیز به زبان آموز القا کرد مثلا خیلی از کلمات و جمل را از طریق به قلم آوردن متن یک فیلم چه توسط استاد و چه توسط زبان آموز می توان آموخت.

در این بخش از زبان آموز خواسته می شود که هر آن چه از یک فیلم عربی می شنود را به قلم بیاورد و سپس به اصلاح خطاهای او پرداخته و به او روش کتابت درست را می آموزیم به عنوان مثال یک زبان آموز مبتدی هنگامی که جمله "مستمعینا الأفاضل" را می شنود این گونه می نویسد: "مستمعین الأفاضل" و ما هنگام اصلاح این جمله می توانیم دو مطلب را به زبان آموز آموزش بدهیم یکی این که نون جمع مذکر سالم در حالت اضافه حذف می شود و دیگر این که هنگام جمع مضاف إلیه و صفت در زبان عربی تقدم با مضاف إلیه است و نه صفت یعنی ما با استفاده از این روش هم قواعد را به او می آموزیم و هم قوه سمعی و بصری او تقویت می کنیم.

عدم تکیه بر قصه خوانی:

یکی از بهترین روش های آموزش زبان انگلیسی که عربی فاقد آن است تکیه بر خواندن قصه یا رمان است که تهیه کننده این رمان ها یک سلسله کتاب های هدف مندی که هر کدام حاوی مطالب مختلف و طبقه بندی شده از آسان به سخت است را در اختیار زبان آموز قرار می دهد و در هر کتاب اطلاعات جدید تری را به علاوه اطلاعات قبلی به زبان آموز ارائه می دهد تا هم اطلاعات قبلی برایش مرور شود و هم به مرور و به آسانی اطلاعات جدیدی را دریافت کند. این روش برای تدریس زبان عربی نیز باید اجرا شود.

قواعد محوری:

اشکال عمده ای که بر روش تدریس زبان (چه عربی و چه انگلیسی) در مدارس کشورمان و در برخی از کتاب های مکالمه عربی وجود دارد تکیه بیش از حد بر قواعد است به طوری که صبغه قواعد بر متون ارجحیت دارد. این روش باعث گریزان شدن بسیاری از محصلان از یاد گیری زبان می شود. قواعد همانطور که از اسمش پیداست به معنای چارچوب و پایه است و این چارچوب می بایست بر روی جملات و عبارات پی ریزی شود حال کسی که ذهنش خالی از کلمات و عبارات باشد و دایره لغویش ضعیف و سست است چگونه می تواند چارچوبی بنا کند. این جانب در کشور سوریه به عرب زبانان قواعد صرفی را می آموختم و خیلی اوقات می دیدم که باوجود این که عرب هستند اما از یاد گیری برخی قواعد عاجزند حال چه برسد به فارسی زبانی که می خواهد بر روی هیچ، بنایی را بسازد.

عدم وجود درس خطابه خوانی:

درس خطابه خوانی یا المحاضرة می بایست به دروس زبان عربی اضافه شود و دانشجویان ملزم به این شوند که به صورت مستمر خود را آماده تکلم به زبان عربی در برابر دیگران کنند.

بسیاری از دانشجویان دارای ذخیره لغوی بسیار خوبی هستند ولیکن به خاطر عدم تکلم و استفاده نکردن از این ذخیره لغوی نمی توانند به زبان عربی مسلط شوند.

با تجربه خوبی که این جانب در جامعه المصطفی کسب کردم به صورت هفتگی خطبه هایی را آماده نمودم و به دانشجویان ارائه نمودم و از آنان درخواست کردم که در مسجد جامعه المصطفی (ع) آن خطبه ها را به برای دیگران بخوانند و در حد امکان از حافظه خود بهره بگیرند.

ضرورت گنجاندن مکالمه در تمام ترم های تحصیلی:

این کار می بایست در مقطع لیسانس انجام شود به طوری که در طول تحصیل دائما دانشجویان با این درس مرتبط بوده و به تدریج بتوانند زبان عربی را یاد بگیرند.

علت این امر پیچیدگی و نیاز به تمرین در مکالمه عربی است و می توان در طول این دوره از قوای سمعی و بصری و ذهنی دانشجویان کمال استفاده را برد.

این امر علاوه بر ایجاد شور و نشاط در آنان باعث رونق و علاقه دیگران نیز به این زبان شد و نتیجه بسیار مطلوبی حاصل شد.

عدم توجیه نمودن دانشجویان در بدو ورود به رشته:

در مؤسسات آموزشی کمتر پیش می آید که در بدو ورود دانشجویان به یک رشته دورنمایی از آن رشته را به دانش آموزان آن رشته نشان دهند تا براساس آن دورنما دانشجو مسیر رشد و فعالیت خود را تعیین کرده و برای سیر در این مسیر توشه مناسب خود را برگیرد و لذا خیلی از دانشجویان تا پایان فراغت از تحصیل دچار نوعی سردرگمی بوده و نمی دانند که باید چه هدفی را دنبال کنند.

برای این که چنین مشکلی پیش نیاید می بایست جزوه هایی تهیه شود که در آن دور نمای تحصیل در رشته ها در آن گنجانده شود و تمام فعالیت هایی که به رشد دانشجو می انجامد را به او نشان دهد و توفیق ها و عدم توفیق هایی که در رشته ها حاصل شده را بیان نماید و علاوه بر این جلسات توجیهی نیز برای دانشجویان ترتیب دهند تا در صورت وجود ابهام، ابهامات رفع شود.

عدم استعداد یابی در دانشگاهها:

با توجه به گسترده بودن زبان عربی و مختلف بودن شاخه های تخصص در این رشته می بایست دانشگاهها استعداد دانشجویان را سنجیده و بر اساس استعدادشان آن ها را به راه درست راهنمایی کنند.

برخی دانشجویان در زمینه ترجمه همزمان و مستقیم استعداد و علاقه دارند و برخی در زمینه صرف یا نحو و برخی در زمینه مجری گری و یا اخبار گوئی و برخی به تاریخ ادبیات و برخی به نقد و برخی به رمان.

علاوه بر این که دانشجو خود می تواند به زمینه مورد علاقه اش رسیده و براساس آن فعالیت کند گروههای عربی هم می توانند بستر را برای استعداد یابی و هدایت استعداد ها و برنامه ریزی دقیق برای آن ها فراهم کنند.

عدم اهتمام جدی بعضی از اساتید به دانشجویان:

متأسفانه برخی از اساتید به علت مشغولیت های فراوان همچون تدریس در جاهای دیگر و یا نوشتن مقالات و پژوهشهای فردی و راهنمایی پایان نامه ها و غیره وقت زیادی را به دانشجویان این رشته اختصاص نمی دهند و انگیزه کافی را در دانشجویان به وجود نمی آورند. لذا باید ترتیبی اتخاذ شود که ارتباطات تنگاتنگ بین اساتید و دانشجویان فراهم شده و راه برای تخصصی شدن و گسترش زبان عربی فراهم شود.

عدم تربیت نیروی کارآمد که ناشی از ضعف در روش ها و متون تدریسی است

برای این که بتوان موفقیت روش های آموزشی را سنجید می بایست بازده و محصولات خروجی که مورد تربیت قرار گرفته اند را بررسی کرد.

اگر در کل کشور بازده و محصول دانشگاهها را در زبان عربی که همان فارغ التحصیلان این رشته هستند مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید که درصد زیادی از آنان قادر به تکلم به این زبان نبوده و در مباحث تخصصی زبان عربی هم توانایی کافی ندارند.

در این زمینه می بایست کارگروههای تخصص با حضور اساتید بارز این رشته برگزار شود و علت عدم توفیق روش های آموزشی که نتیجه اش عدم تولید نیروی کار آمد است کشف شده و راهکارهایی برای مقابله با مشکلات و حل آن ها ارائه شود.

اگر عدم توفیق در گروه کمی از دانشجویان بود علت را می شد در دانشجویان بررسی کرد ولیکن اکثر فارغ التحصیلان موفقیت کسب نمی کنند که با اطمینان می توان علت را به ناکارآمدی دانشگاهها مرتبط دانست.

تخصصی نشدن رشته عربی در ایران

این امر که متولی آن مسئولین و اساتید رشته عربی هستند یکی از مهمترین راهها برای استفاده بهینه از متخصصین این رشته می شود و عدم تخصصی نشدن این رشته باعث سردرگمی دانشجویان این رشته و عدم تخصص کافی آنان در یک رشته خاص و کاربردی می شود.

در این زمینه می بایست مطالعات دقیقی انجام شود و زبان عربی به دو شاخه اصلی یعنی مطالعات زبانی و مطالعات ادبی تقسیم شود در قسمت مطالعات زبانی مسائلی همچون صرف و نحو و مکالمه و ترجمه و فقه اللغه و در قسمت ادبی مسائلی همچون تاریخ ادبیات با تقسیم دوره های مختلف و بلاغت و نقد و عروض و ادبیات تطبیقی و مکتب های ادبی ارائه شود.

یکی از تخصص هایی که می بایست ایجاد شود تخصص مطبوعات و رسانه در زبان عربی است که دانشجویان در این رشته علاوه بر مهارت های مخصوص به کار های رسانه ای در تقریر گزارش و اصطلاحات مخصوص مطبوعاتی و امور مربوطه به زبان عربی نیز تخصص کافی را کسب می کنند.

از جمله تخصص های دیگری که می تواند ایجاد شود تخصص حقوق به زبان عربی برای تربیت نیروهایی ویژه که بتوانند با علم به قوانین بین المللی روابط تجاری بین شرکت های داخلی و شرکت های خارجی که در کشور های عربی مستقر هستند را گسترش دهند. این نیروها هم می توانند در زمینه بازار یابی به شرکت های ایرانی در خارج از کشور کمک کنند و هم می توانند مدافع قانونی این شرکت ها در عقد قراردادهای باشند.

از جمله تخصص هایی که می توان به وجود آورد تخصص بازار یابی به زبان عربی است که نیروهای تربیت شده بعد از کسب مهارت لازم در زمینه بازاریابی اصطلاحات مخصوص تجاری را زبان عربی آموخته و می توانند شرکت های تجاری داخلی را به کشورهای عربی معرفی کرده و زمینه ارتباطات تجاری را فراهم سازند.

البته در مرحله کارشناسی دانشجویان می بایست با همه این شاخه ها آشنایی اجمالی و مورد قبولی پیدا کنند اما در مرحله کارشناسی ارشد و دکتری هر دانشجویی در تخصص مورد علاقه خود اختصاص کسب کند تا دچار سردرگمی و ناتوانی نشود.

امروزه به خاطر پیشرفت علوم بشری همگان سعی در تخصصی نمودن فعالیت های علمی دارند زیرا مبرهن است که یک نفر نمی تواند در تمام شاخه ها متخصص شود.

این جانب هنگامی که در دانشگاه دمشق تحصیل می کردم برای سؤالی نزد یکی از اساتید رفتم ایشان با کمال فروتنی به من گفت سؤال شما مربوط به تاریخ ادبیات عصر اول عباسی است و من در تاریخ ادبیات عصر جاهلی تبهر دارم، اگرچه می توانم جواب شما را بدهم و لی اگر نزد فلان استاد بروی جواب دقیق تری به شما خواهد داد.

عدم شناخت مجال های مناسب برای ترجمه:

یکی از پل های ارتباطی فرهنگ عربی و فارسی ترجمه بوده است. با توجه به وسعت زبان عربی و پیشرفتی که در عرصه های مختلف در این زبان به وجود آمده و با توجه به این که اساتید این رشته بیش از همه به این پیشرفت ها آشنا هستند لذا یکی از عرصه های مهمی که می شود در آن کارهای خوبی را صورت داد عرصه ترجمه است.

اساتید رشته عربی می توانند مهمترین کتاب هایی که در جهان عرب نوشته می شود را از طرق مختلف همچون فضاهاى مجازى در معرض دید مترجمان قرار داده و با تبیین اهمیت کتاب های پیشنهادی جهت ترجمه زمینه را برای اشتغال دانشجویان و مترجمان عربی از یک طرف و ایجاد پل ارتباطی محکم بین زبان عربی و فارسی به وجود آورند.

چالش های برون رشته ای:

عدم جذب متخصصین در رشته عربی و جایگزینی آنان با نیروهای یرمتخصص

در بسیاری از مواقع با وجود نیاز به نیروهای متخصص تحصیل کرده در زبان عربی خیلی از ادارات و نهاد های مرتبط با زبان عربی ترجیح می دهند که از نیروهای غیر تحصیل کرده و یا پاره وقت استفاده کنند. از جمله این ادارات می توان به آموزش و پرورش و حج و زیارت اشاره کرد.

اداره آموزش و پرورش و البته هم در مدارس غیر انتفاعی و هم دولتی در خیلی از اوقات برای تدریس درس عربی از نیروهای غیر متخصص استفاده می کند و برای رفع این نیاز هم نیروی جدید جذب نمی کند.

سازمان حج و زیارت که دائماً در حال برگزاری دوره های مخصوص زبان عربی برای کارگزاران حج می باشد ولیکن اهتمامی به جذب نیروی متخصص در زبان عربی ندارد و این مشکل می بایست در سطح کلان بررسی و رفع شود.

به نظر می رسد که باید طرحی در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد که این دو سازمان (آموزش و پرورش و حج و زیارت) را ملزم به جذب نیروی متخصص در رشته عربی کند.

عدم اهتمام و اقبال عمومی به یادگیری مکالمه

تماسک فرهنگی دو ملت عرب و فارس به حدی است که به جرأت می توان گفت اکثر کلماتی که در محاوره یا کتابت فارسی به کار می رود عربی است و بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران زبان عربی جزء متون درسی الزامی در مدارس گنجانده شده است با این حال این نمی تواند دلیل باشد بر این که فارس ها در حد زیادی با تکلم به زبان عربی آشنا هستند. بلکه بالعکس است و با وجود زمینه های زیاد برای یادگیری زبان عربی اما فارس ها کمترین اهمیتی به یادگیری این زبان مهم نداشته اند. البته این مسأله نیاز به فرهنگ سازی و پر اهمیت جلوه دادن این زبان از طرف نهادهای علمی و فرهنگی است.

و با وجود اینکه سیل عظیمی از مردم ایران همه ساله به زیارت مکه مکرمه و مدینه منوره و اُعتاب مقدسه می روند ولیکن این مردم کشور های مقصد هستند که فارسی را می آموزند و کمتر پیش می آید که ایرانیان و حتی مدیران کاروان ها که دائما در حال سفر به کشور های عربی هستند به یادگیری زبان عربی اهتمام داشته باشند. این جانب که مصاحبه کننده زبان عربی در حج و زیارت هستم بارها با مواردی برخورد کرده ام که مدیرانی بعد از بیست سال فعالیت و رفت و آمد به کشورهای عربی هنوز نمی توانند ساده ترین جمله ها را به زبان عربی بیان کنند.

عدم وجود آموزشگاههای مخصوص زبان عربی همسان انگلیسی:

یکی از مزیت های زبان انگلیسی بر عربی وجود انواع مختلف آموزشگاه های زبان انگلیسی است که در سطح کشور به طور گسترده ای در حال فعالیت هستند و آنقدر منظم هستند که حتی دوره های آموزشی آنان در سطح کشور به طور هماهنگ برگزار میشود و اگر کسی قصد سفر به جایی راداشته باشد میتواند در مقصد سفر خود دورهای را که در آن شرکت کرده را پیگیری کند. وجود چنین مؤسسات هدفمند و منظم علاوه بر ایجاد اشتغال برای فارغالتحصیلان زبان عربی باعث گسترش هرچه بیشتر این زبان نیز میشود و باعث میشود که بسیاری از کسانی که مشتاق به فراگیری زبان عربی هستند به راحتی جایگاه مناسب خود را بیابند.

باید توجه داشت که آموزشگاه های زبان برای کسب درآمد و خروج از بحران های اقتصادی میتواند به روش های ذیل هزینه های خود را تأمین کنند :

- برگزاری کلاسهای تقویتی عربی برای محصلان مدارس درمقاطع مختلف. البته این نیاز رامیتوان از طریق ایجاد کانون های زبان عربی نیز برطرف نمودو لیکن آموزشگاهها که معمولا وسیع تر هستند میتوانند از این طریق منابع مالی بیشتری برای قوام خود ایجاد نمایند.

- این آموزشگاه ها میتواند به صورت نیمه دولتی باشد واز مراکز دولتی خصوصا مدارس آموزش و پرورش درشیفتهای عصراستفاده نماید. البته این امر بایستی از طریق تفاهم نامه بین دووزارت آموزش عالی و آموزش و پرورش انجام گیرد و هر دو وزارت به نحوی ازخدمات این آموزشگاهها انتفاع ببرند مثلا تأمین نیروهای متخصص برای تعلیم راوزارت علوم به عهده گیردو زمینه اشتغال فارغ التحصیلان زبان عربی رافراهم آورد و از طرف دیگر دانش آموزانی که دراین آموزشگاه ها تحصیل میکنند از تخفیفات ویژه ای بهرمندگردند.

عدم ایجاد توازن در خروجی محصلین این رشته و بازار کار:

عدم برنامه ریزی وعدم ایجاد توافق نامه بین وزارت علوم و ادارات و نهاد های مرتبط با زبان عربی همچون وزارت خارجه و اتاق بازرگانی و حج و زیارت و کتاب خانه ها و قوه قضائیه و غیره برای استفاده از نیروهای دانشگاهی در امور مربوط به زبان عربی یکی از مشکلات فراروی زبان عربی است.

با توجه به تخصصی که دانشجویان رشته عربی کسب می کنند می توان از ایشان در دروس قرآن و عربی در سطح مدارس استفاده نمود و اگر این امر صورت پذیرد مشکلی در بیکاری فارغ التحصیلاناین رشته به وجود نخواهد آمد.

در مدارس خیلی از اوقات از فارغ التحصیلان رشته های دیگر در درس عربی استفاده می شود ولیکن کمتر پیش می آید که از رشته های عربی در رشته های دیگر استفاده شود.

همه گیر نبودن زبان عربی:

چرا می بایست تمام دانشجویان دکتری دارای مدرک تافل زبان انگلیسی باشند اما زبان عربی نه تنها که چنین اهمیتی را نداشته بلکه کوچکترین اهتمام هم به آن در دانشگاهها وجود ندارد.

یکی از علل اهمیت زبان انگلیسی توجه خاص وزارت علوم به این زبان است حال آن که ما می دانیم اگر اهمیت عربی از زبان انگلیسی بیشتر نباشد کمتر هم نیست چون که این زبان علاوه بر این که زبان دین ماست یکی از مهمترین زبان های دنیاست.

در دانشگاه دمشق دانشجویان بر اساس قانون می بایست یک زبان را یاد گرفته و با یک زبان هم آشنا می شدند حال آن چه که انتظار می رود آن است که در میهن اسلامی ما ایران می بایست برای زبان عربی در قشر دانشگاهیان در حد آشنایی هم که هست برنامه ریزی شود.

شاید گفته شود که دانشجویان معمولا همه در مقطع دبیرستان با عربی آشنا شده اند جواب این است که در دانشگاه می توان سطح این آشنایی را بالا برده و به صورت تخصصی تر به این زبان نگاه کرد مثلا هیچ اشکالی ندارد که دانشجویان رشته شیمی با اصطلاحات تخصصی رشته خود به زبان عربی آشنا شوند بلکه این امر علاوه بر برکت های معنوی فراوانی که دارد می تواند باعث اشتغال بسیاری از فارغ التحصیلان رشته عربی نیز بشود.

جمع بندی و نتایج:

برخی عوامل در عدم توسعه و تجاری سازی زبان عربی مربوط به دست اندر کاران و دانشجویان و اساتید این رشته باز می گردد که می توان آن ها را چالشهای درون رشته ای نام نهاد و آنها به ترتیب ذیل می باشند:

عدم اهتمام و اقبال عربی آموزان به یادگیری مکالمه.

نارسایی های تدریس مکالمه.

عدم وجود درسارائه سخنرانی به زبان عربی.

ضرورت گنجاندن مکالمه در تمام ترمهای تحصیلی دوره لیسانس.

توجه نکردن دانشجویان دربدو ورودبه رشته عربی.

عدم استعدادیابی در دانشگاهها.

عدم اهتمام جدی بعضی از اساتیدبه دانشجویان.

تخصصی نشدن رشته عربی در ایران.

شناخت فرصت های مناسب برای ترجمه.

برخی از عوامل و چالشها مربوط به خارج از حیطه مسؤولیت اساتید و دانش آموزان زبان عربی است که عبارتند از:

عدم جذب متخصصین در رشته عربی و جایگزینی آنان بانبروهای غیرمتخصص.

عدم اهتمام و اقبال عمومی به یادگیری مکالمه.

عدم ایجاد توازن در خروجی محصلین این رشته و بازارکار.

عدم وجود آموزشگاههای مخصوص زبان عربی همسان انگلیسی.

همه گیر نبودن زبان عربی.

پیشنهاد ها:

ایجاد معاهد های لغات برای تدریس مکالمه عربی به همان شیوه آموزشگاههای زبان انگلیسی.

ایجاد معهد های لغات برای تقویت بنیادی دانش آموزان در زبان عربی برای شرکت در کنکور و امتحانات فصلی و سالانه.

گنجاندن درسی به عنوان "المحاضرة" به دروس رشته عربی برای کاربردی شدن زبان عربی برای دانشجویان و ملزم شدن ایشان به تکلم به عربی.

استفاده از تکنولوژی و فضای مجازی جهت تعلیم غیر حضوری دروس مربوط به عربی. این امر توسط مسؤولین و اساتید عربی و با استفاده از امکاناتی که وزارت علوم فراهم می کند قابل اجراست.

کاربردی کردن رشته عربی در حوزه های علمیه باگنجاندن دروسی همچون مکالمه وانشاء در دروس مقدماتی حوزه و استفاده از نیروی کارآمد دانشگاهی که دو منفعت را به دنبال خواهد داشت :

وحدت بیشتر حوزه ها و دانشگاهها با تکیه بر زبان عربی به عنوان نقطه مشترک.

تربیت نیروهای حوزوی مسلط به زبان عربی که زبان گویای نظام مبتنی بر دین و اخلاق جمهوری اسلامی ایران باشند.

ایجاد تفاهم نامه هایی بین وزارت علوم و نهاد های مرتبط با رشته عربی جهت همکاری و استفاده از نیروهای متخصص دانشگاهی. از جمله این نهاد ها می توان به وزارت خارجه ووزارت آموزش و پرورش و سازمان حج و زیارت و ستاد بازسازی اعتبار مقدسه و اتاق های بازرگانی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اشاره کرد.

استفاده از تجربه مراکز تدریس زبان عربی به غیر عربی زبان ها همچون المدینه المنوره و أم القری و جامعه دمشق و غیره برای رفع نارسایی های تدریس عربی در کشور بسیار ضروری است.

استفاده از نیرو و توان ترجمه در قالب معرفی کتاب های جدید و مهم عربی توسط اساتید و متخصصین برای ترجمه توسط دانشجویان و متخصصین در امر ترجمه.

تاسیس رشته مطبوعات به زبان عربی جهت پرورش دانشجویانی با تخصص عربی برای انجام امور مربوط به روزنامه نگاری و تهیه گزارش.

تاسیس رشته حقوق به زبان عربی برای تربیت نیروی متخصص در زمینه حقوق بین الملل جهت ایجاد ارتباط بین شرکت های تجاری داخلی و شرکت های خارجی که در کشور های عربی وجود دارد.

تاسیس رشته بازاریابی برای تربیت نیروی متخصص بازاریاب و ایجاد زمینه ارتباطات تجاری بین شرکت های تجاری ایرانی و عربی.

منابع و مأخذ

بدوی السعيد محمد، مقتضيات الكفاءة في تعلم اللغة العربية كلغة إضافية، من منشورات المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم، تونس، ١٩٩٢م.

پارسا محمد، نظريه های یادگیری و آموزشی، دانشگاه تربیت معلم، چاپ اول، ١٣٥٧.

الخطيب على أحمد على، تجربة الأزهر الشريف في مجال تعليم اللغة العربية لغير الناطقين بها، من منشورات المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم، تونس، ١٩٩٢م.

راغب أحمد، مدير مركز اللغات في جامعة المدينة العالمية، نظام تفاعلي لتعليم العربية لغير الناطقين بها، منشورات جامعة المدينة العالمية.

السويسى رضا، التكوين التربوى لأساتذة العربية لغير الناطقين بها، من منشورات المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم، تونس، ١٩٩٢م

صفوى، امان الله. كليات روشها وفنون تدریس، تهران، انتشارات معاصر، چاپ ششم، ١٣٧٥.

اينترنت:

اعتماد عبدالصاد قعيفى (أستاذ مساعد بقسم أصول اللغة كلية الدراسات الإسلامية)، الصعوبات اللغوية وطرق علاجها في تعليم العربية للناطقين بغيرها، جامعة الأزهر <http://azhar-ali.com>

فواز جرادات، التجربة الأردنية في تعليم اللغة العربية حاسوبياً، مدير عام المناهج والكتب المدرسية، عمان - الأردن، الثلاثاء ١٨ ربيع الآخر ١٤٢٧هـ - ١٦ أيار ٢٠٠٦م. <http://www.majma.org.jo>

اللغة العربية في إيران: تحديات التسويق والتنمية

الدكتور مهدي محمدي نژاد*

الملخص

إنّ العقبات التي تقف أمام العربية وتنميتها في إيران تنقسم إلى قسمين: العقبات الداخلية التي تتعلق بالدارسين والأساتذة والمسؤولين عنها، والعقبات الخارجية التي تأتي من خارج نطاق هذه اللغة. أما العقبات الداخلية فهي متنوعة، منها: عدم اهتمام أهل اللغة العربية بدراستها وإجادتها، والخلل الموجودة في تدريس المحادثة العربية، وعدم إرشاد الدارسين بداية دراستهم للعربية إلى المهام التي سيتحملونها بعد تخرجهم، وعدم العناية بالمواهب الكامنة في الدارسين من قبل المسؤولين والأساتذة في الجامعات، وعدم النظرة التخصصية إلى العربية في الجامعات. وأما العقبات الخارجية فهي متنوعة أيضاً، منها: عدم توظيف أصحاب الاختصاص في العربية وتعويضهم بمن لا يمتلك الخبرة في هذا المجال، وعدم الإقبال العام على اللغة العربية من قبل الناس كإقبالهم على الإنكليزية، وعدم وجود المعاهد الخاصة بتعليم العربية مثلما نراه من المعاهد الخاصة بتدريس الإنكليزية. وقد خرج البحث بعدة نتائج تدل على وجود مشاكل في سبيل تطور اللغة العربية في إيران وهذه المشاكل يمكن أن تعالج على الشكل الآتي: لكي نواجه التحديات الداخلية للغة العربية لا بد من إعادة النظر بطرق تدريس المحادثة العربية في إيران، ودمج بعض الدروس، وتغيير ساعات تدريس بعض الدروس و في سبيل مواجهة التحديات الخارجية للغة العربية لا بد من إيجاد توازن بين الخريجين وسوق العمل، وإيجاد فرص العمل للخريجين، وتشجيع الناس ليقبلوا على العربية قدر إقبالهم على الإنكليزية لما لهذه اللغة من أهمية بالغة.

الكلمات المفتاحية: التسويق، اللغة العربية، إيران، التنمية.